



Sadr al-Atebba' and the Legacy of Shamlou Family (Genealogy and Medicine Services)

Gholamreza Azari Khakestar¹

Abstract

The genealogy of old families and examining their social activities indicate that certain professions have been hereditary and continued for many generations, so that the occupations would be considered part of their historical identity. Examining the history of influential families of Mashhad shows that hereditary professions, even artistic or religious ones, continued for several generations in some families associated with the Holy Shrine of Imam Reza (AS). Regarding medicine, some member of old families have been well-known to the people of Mashhad for several generations as physicians. The Shamlu family is considered one of the old families of Mashhad, whose genealogy indicates the presence of physicians for three generations (i.e., from Mirza Gholam Ali Sadr al-Ateba' to his descendants). This study sought is to explore the history of the Shamlu family and the continuation of the medical profession within this family. Therefore, through examining family documents and oral history, this study dealt with two fundamental questions about the history of this family, medical narratives, and family heritage.

Keywords: Mashhad, Shamlou, Family, Medicine

سال سوم، شماره یک، دوره جدید، شماره پیاپی پنج، بهار و تابستان ۱۴۰۳

1. MA in History and Civilization of Islamic Nations, Researcher of Oral History, The Organization of Libraries, Museums and Documents Center Of Aštane Qudse Razavi, Mashhad, Iran (azari222002@yahoo.com)





صدراالاطباء و میراث خاندان شاملو (تبارشناسی و خدمات پزشکی)

غلامرضا آذری خاکسترا

چکیده

مطالعه تبارشناسی خاندان‌های قدیمی و تأمل در فعالیت‌های اجتماعی آنان حاکی از آن است که برخی از مشاغل در خانواده‌های قدیمی، موروثی و حتی تا چند نسل تداوم داشته است، به طوری که بخشی از هویت تاریخی آن خاندان تلقی می‌شود. بررسی تاریخ خاندان‌های اثرگذار در شهر مشهد نشان می‌دهد که مشاغل موروثی و حتی هنری یا مذهبی در بین برخی از خانواده‌های مرتبط با حرم مطهر امام رضا (ع) تا چندین نسل تداوم داشته است. در زمینه پزشکی نیز برخی از خانواده‌های قدیمی چند نسل از آنان به عنوان طبیب در بین مردم شهرت داشته‌اند. خاندان شاملو از جمله خانواده‌های قدیمی شهر مشهد محسوب می‌شوند که تبارشناسی آنان بیانگر وجود پزشک در سه نسل یعنی از میرزا غلامعلی صدراالاطباء تا نوادگانش است. هدف این پژوهش بررسی تاریخ خاندان شاملو و تداوم شغل پزشکی در بین این خانواده است. بنابراین، با طرح دو پرسش اساسی این مقاله تدوین شده است. تلاش می‌شود با مطالعات اسناد خاندانی و تاریخ شفاهی ضمن پرداختن به تاریخ خانوادگی، روایت‌های پزشکی و میراث خاندانی آنان مورد واکاوی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مشهد، شاملو، خاندان، پزشکی

سال سوم، شماره یک، دوره جدید، شماره پیاپی پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۳

۱. کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی. پژوهشگر تاریخ شفاهی، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی. مشهد (azari222002@yahoo.com)

مقدمه

مطالعه و بررسی پیرامون تبارشناسی خاندان‌های قدیمی مشهد از مباحثی محسوب می‌شود که چندان مورد توجه پژوهشگران نبوده است. این در حالی است که شهر مشهد به واسطه بارگاه امام رضا (ع) و انتساب خاندان‌های قدیمی در تشکیلات اداری آن سابقه دیرینه‌ای دارد و بخشی از آن‌ها را می‌توان از طریق اسناد و مدارک تاریخی شناسایی نمود. پژوهش حاضر درصدد است تا ضمن معرفی خاندان شاملو در مشهد به معرفی پزشکان این خاندان و جایگاهشان در پزشکی مشهد بپردازد. سوالات پژوهش عبارت‌اند از این‌که پزشکان این خاندان چه اقدام قابل توجهی انجام داده‌اند؟ و چرا پزشکی در نسل‌های بعدی این خاندان تداوم نداشته است؟ این مقاله با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای و اسناد موجود در خانواده شاملو اعم از زندگی‌نامه‌های خودنوشت و مکاتبات خانوادگی، همچنین اسناد مرکز اسناد آستان قدس رضوی و مصاحبه‌های تاریخ شفاهی به تبیین و تحلیل موضوع پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

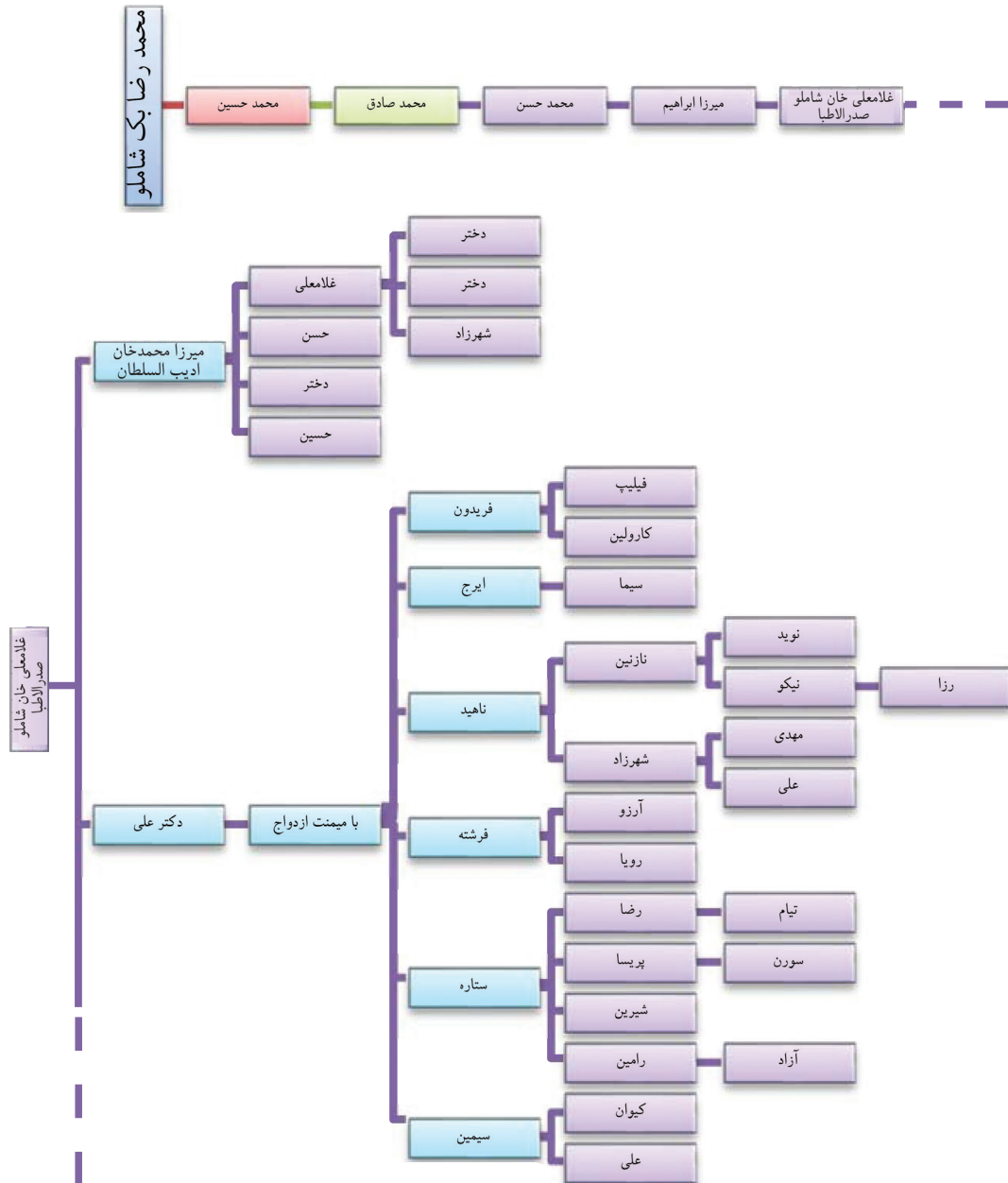
موروثی بودن مشاغل مذهبی در حرم مطهر موجب شده تا با تعدادی از خاندان‌های قدیمی شهر مشهد آشنا و پیشینه تاریخی آنان در تشکیلات حرم مطهر بررسی شود. اهمیت تاریخ خاندانی موجب شده تا آثار و مقالاتی در این زمینه منتشر و پژوهش‌هایی شکل گیرد. محمدباقر رضوی مدرس اول آستان قدس رضوی در کتاب *شجره طیبه در انساب سلسله سادات علویه رضویه* به تعداد زیادی از خاندان‌ها پرداخته که در حرم مطهر امام رضا (ع) به عنوان خدمه اشتغال داشته‌اند. همچنین مقاله‌ای پیرامون خاندان اعتضاد رضوی (شهیدی، ۱۳۸۸) در زمره مطالعاتی است که به تاریخچه خاندان اعتضاد رضوی و چندین نسل خدمت در حرم مطهر پرداخته است. همچنین در کتاب *تاریخ پانصدساله خاندان شهرستانی*، تحقیق و تألیف محمدقاسم هاشمی به یکی از خاندان‌های قدیمی پرداخته شده که در شهر مشهد منشأ خدماتی بوده‌اند. علاوه بر این منابع، در بخش تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی چندین جلسه مصاحبه با خاندان‌های قدیمی مشهد انجام شده که به نحوی با حرم مطهر یا در زمره خاندان‌های مؤثر در خراسان هستند^۱.

خاندان شاملو

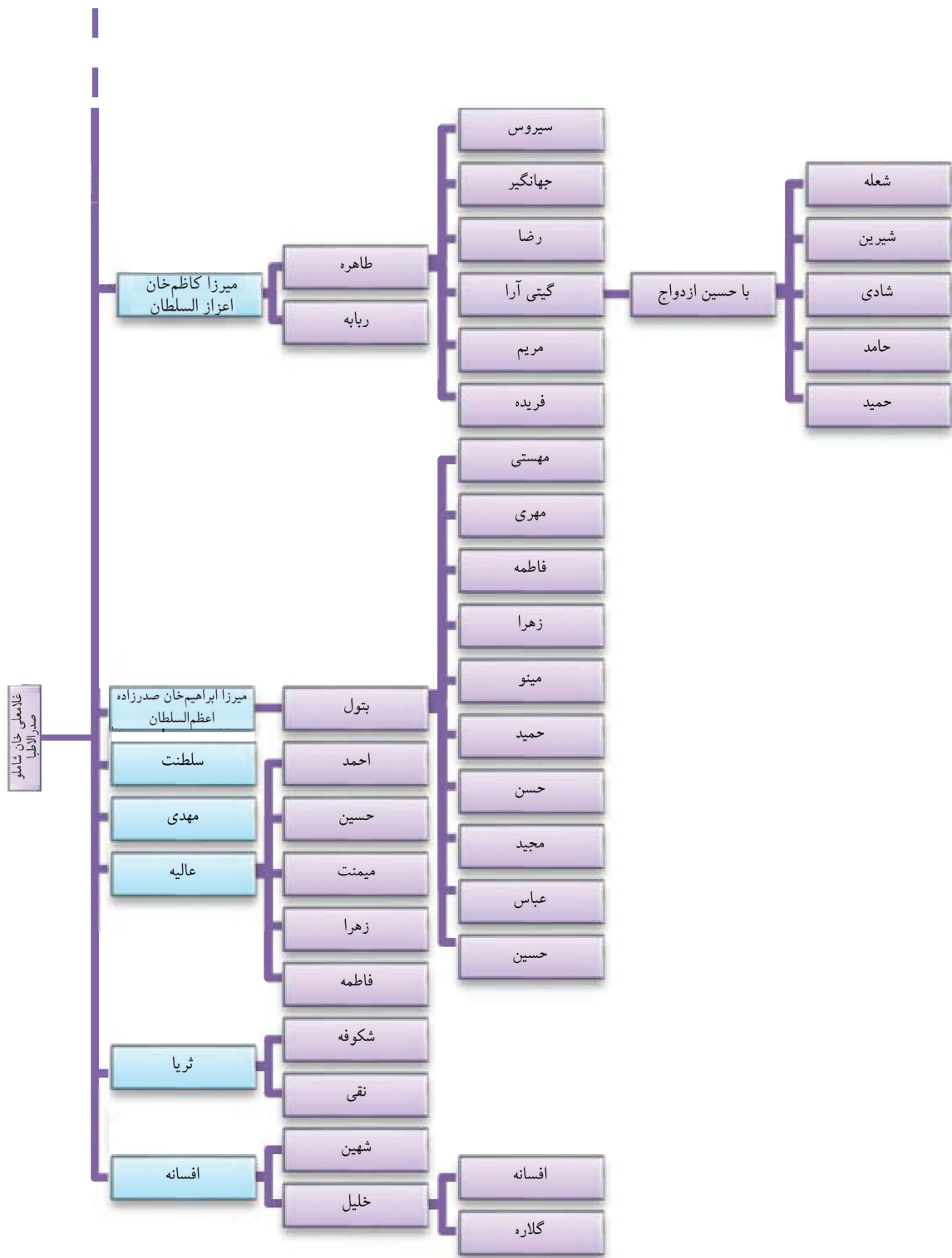
شاملوها از جمله خاندان‌های قدیمی شهر مشهد محسوب می‌شوند که خدمات قابل‌تأملی در زمینه پزشکی داشته‌اند. بررسی شجره خاندانی (نمودار ۱) و اسناد تاریخی حاکی از آن است که شاملوها در زمره مهاجرینی بودند که در دوره تیموریان به ایران کوچانده و تعدادی از آنان در مشهد ساکن شده‌اند. بنا بر اطلاعات کتاب *پژوهشی در شناخت ایل‌ها و طایفه‌های عشایری خراسان*، این ایل همگام با سایر ایلات اوغوز به ایران مهاجرت

۱. مصاحبه بخش تاریخ شفاهی سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی با خاندان‌های قدیمی مشهد از جمله ابن‌رضا، امین‌التجاری، بهار، مشیراستخاره، قهرمان، نیری، کوزه‌کنانی، مدیرشانه‌چی، مسعودی خراسانی، طغرابی، زوار، شادلو، مشارالسلطنه و غیره.

کردند و در تأسیس سلسله صفوی همراه با قزلباش‌ها سهم بسزایی داشتند. (میرزیا، ۱۳۶۹: ۶۸) آنچه از محتوای اسناد و مدارک تاریخی به دست می‌آید، سابقه پزشکی در شهر مشهد مربوط به دوره صفویه و تأسیس شربتخانه یا دارالشفای حرم امام رضا (ع) است. (حسین‌زاده سورشجانی، ۱۳۹۵: ۶۸) بنابراین، فعالیت پزشکان طی ادوار گذشته در مشهد رواج داشت، به طوری که در اوایل قرن چهارده شمسی، ۵۹ نفر دکتر مجاز و ۵ مریضخانه فعالیت داشته‌اند. (مدرس‌رضوی، ۱۳۸۶: ۱۸۹)

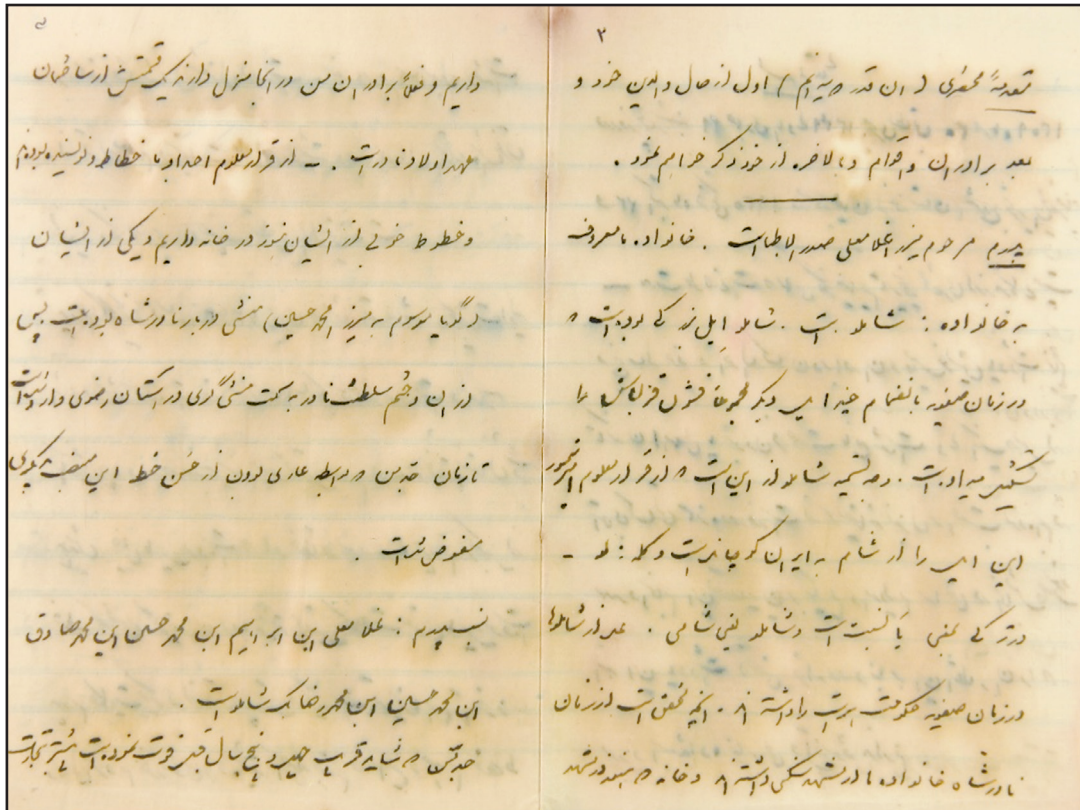


سال سوم، شماره یک، دوره جدید، شماره پیاپی پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۳



نموار ۱: شجره خاندانی شاملو (مأخذ: نگارنده)

دکتر علی شاملو (۱۲۸۶-۱۳۷۶ش) در خاطراتی که روز چهارشنبه ۲۹ جمادی الاولی ۱۳۴۹ق/ ۳۰ مهرماه ۱۳۰۹ش در مسجد سلیمان خوزستان تحریر نموده راجع به نسب خود نوشته است: «پدرم مرحوم میرزا غلامعلی صدرالاطباء است. خانواده ما معروف به خانواده شاملو است. ایل شاملو ایل بزرگی بوده است که در زمان صفویه به انضمام چند ایل دیگر مجموعه قشون قزلباش را تشکیل می‌داده است. وجه تسمیه شاملو از این است که از قرار معلوم امیر تیمور این ایل را از شام به ایران کوچانده است و کلمه لو در ترکی به معنی یا نسبت است و شاملو یعنی شامی. عده‌ای از شاملوها در زمان صفویه حکومت هرات را داشته‌اند. آنچه محقق است از زمان نادرشاه خانواده ما در مشهد سکنی داشته‌اند و خانه که هنوز در مشهد داریم و فعلاً برادر من در آنجا منزل دارند یک قسمتش از ساختمان عهد اولاد نادر است. از قرار معلوم اجداد ما خطاط و نویسندگان بوده‌اند و خطوط خوبی از ایشان هنوز در خانه داریم و یکی از ایشان (گویا موسوم به میرزا محمد حسین) منشی دربار نادرشاه بوده است. پس از آن و ختم سلطنت نادر به سمت منشی‌گری در آستان رضوی وارد شده است تا زمان جد من که به واسطه عاری بودن از حسن خط این منصب به دیگری مفوض شده است.» (شاملو، ۱۳۰۹: ۶-۱)



تصویر ۱: خاطرات خودنوشت دکتر علی شاملو (مأخذ: مجموعه شخصی پرفسور فریدون شاملو)

«نسب پدرم غلامعلی ابن ابراهیم ابن محمد حسن ابن محمد صادق ابن محمد حسین ابن محمدرضا بیک شاملو است. جد من که شاید قریب چهل و پنج سال قبل فوت نموده است به تجارت و مخصوصاً شال مشغول

بوده است. سفری هم به اسلامبول رفته است. از قرار معلوم در تجارت طالعی نداشته و چند بار مال التجاره اش غرق شده یا آنکه در ایران نصیب قطاع‌الطریق شده است. پدرم تخمیناً در سال ۱۲۶۵ هجری در مشهد متولد شد. تحصیلات اولیه اش در مشهد بوده است و تا سن ۱۷ سالگی در مشهد بوده است. در مدرسه پائین‌پا و بعد در مدرسه میرزا جعفر به تحصیل علوم [...] و فقه اشتغال داشت. پدرش خیلی مایل بوده است که او خطاط شود ولی پدرم برعکس از خط‌نویسی گریزان بوده و بیشتر به تحصیل کمالات معنوی مایل بوده است. پدرم حکایت می‌کرد از قرار پدرش که می‌گفته است [...] بیشتر اصرار جدم در این بوده خطاط شود بر این و آن بوده است که باز شغل سابق آستانه را به دست آرد. پدرم در تحصیل خیلی جدی بوده است. در ۱۳ سالگی به قول خودش سیوطی را تدریس نموده است و بالاخره در ۱۷ سالگی بدون اجازه پدرش عازم تهران می‌شود. از راه درود به نیشابور می‌رود تا نیشابور پیاده می‌رود و از آنجا تا تهران را مال چاروارداری کرایه می‌کند. سفر اول دو سال در تهران در مدرسه سپهسالار قدیم منزل می‌کند و به قدری در تحصیل ساعی بوده است که به قول خودش در این مدت سبزه‌میدان را حتی ندیده بوده است. پس از دو سال به مشهد مراجعت و مجدداً پس از دو سال توقف باز برای سفر طولانی به تهران می‌رود. در این سفر ثانی شروع به تحصیل طب می‌کند.» (شاملو، ۱۳۰۹: ۶-۱)

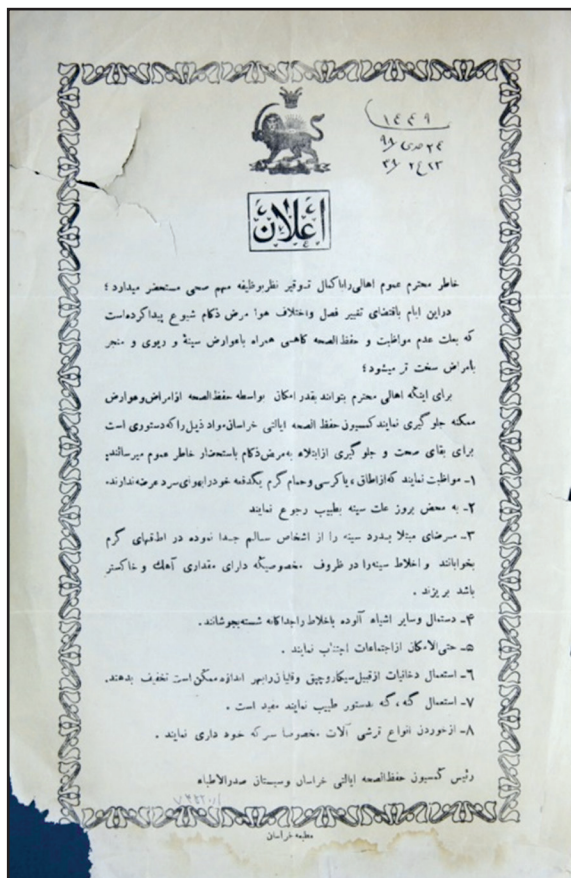
صدرالاطباء

غلامعلی خان شاملو ملقب به صدرالاطباء در ۱۲۵۵ق به دنیا آمده است. پدرش میرزا ابراهیم شاملو برخلاف اجدادش موفق به تحصیل علم نشده بود و شغل دولتی هم نداشته و با حرفه تجارت و بعد سفر اسلامبول به رفوگری از روی تفنن کسب معاش می‌کرده و جزو خدام آستان قدس در کشیک دوم نیز بوده است. غلامعلی خان نزد استادان عصر خود از جمله آقابابا رشتی و میرزا سیدرضی حکیم‌باشی به تحصیل فنون ادب و علوم منقول و معقول پرداخت و رفته‌رفته در فقه و اصول و فنون فلسفه سرآمد گردید و در هنر خط‌نویسی نیز مانند اجداد خود ترقی یافت و خط نستعلیق و شکسته را خوب و شیرین می‌نوشت. (روستایی، ۱۳۸۲: ۲/۳۲۸) مؤلف کتاب تاریخ طب و طبابت در ایران معتقد است: غلامعلی خان چون به فراگرفتن طب و شغل پزشکی شوق و رغبت مخصوص داشت برای تحصیل این فن عازم تهران گردید و نزد مرحوم حاج آقابابا رشتی ملک‌الاطبا به تحصیل علم طب مشغول شد و پس از آن نزد مرحوم میرزا سید رضی خان حکیم‌باشی و مرحوم میرزا ابوالقاسم خان سلطان‌الحکمای نائینی به تکمیل طب پرداخت و پس از قبولی در آزمون طب به خراسان برگشت و حدود هفت سال طبیب مخصوص امیرحسین خان شجاع‌الدوله قوچانی بود. (همان) سپس به مشهد آمد و مدت پنجاه سال به طبابت پرداخت. (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۹۶)

او در زمینه طب و معالجه در خراسان از شهرت و معروفیت خاصی برخوردار بود. در ابتدای ورودش به مشهد از طرف آستان قدس رضوی، مدرسی اول طب آستانه در برابر حقوق معین به او محول گردید و او باینکه با مراجعه بیماران بی‌شماری روبرو بود، هر روز چند ساعت از وقت خود را صرف تدریس طب می‌کرد. (بامداد، ۱۳۸۷: ۳/۲۰) صدرالاطباء به خاطر حسن معالجاتش در ۱۲۵۹ق به سرهنگی و در ۱۲۶۱ق به سرتیپی و ۱۲۷۲ق به

لقب خانی و در آذرماه ۱۲۹۹ش به نشان درجه اول شیر و خورشید و حمایل سبز نائل گردید. (شهرداد، ۱۳۷۷: ۸۵) او در ۱۲۵۹ق به ریاست صحیّه خراسان و سیستان منصوب شد و تا آخر عمر در آن سمت باقی ماند. (بهار، ۱۳۳۷: ۴) تبحر صدراطباء در طب قدیم بود و بیماران را جز به داروهای قدیم معالجه نمی‌کرد و از استعمال دواهای فرنگی و جواهریات احتراز می‌نمود. «در ۱۲۹۵ق مرضی در مشهد ظاهر شد که اطبای داخلی و خارجی آن را (وبا) تشخیص دادند. اما صدراطباء با عقیده آن‌ها مخالف بود و بیماری را سرخجه تشخیص داد برای رفع اختلاف افزارات دو بیماری به بنگاه پاستور تهران فرستاده شد تا حقیقت بیماری تشخیص داده شود و پس از آزمایش معلوم شد حق با مرحوم صدراطباء بوده و بیماری هیضه (قی و اسهال) است نه وبا.» (روستایی، ۱۳۸۲: ۳۲۷/۲-۳۳۱) اطبای خارجی از مرحوم صدر پرسیدند با وجود تمام علائم و آثار وبا در بیماران شما از کجا و به چه وسیله تشخیص دادید که بیماری آن‌ها وبا نیست؟ مرحوم صدراطباء جواب داد: باید به طریقه ما تحصیل طب بکنید تا بدون امتحانات و ذره‌بینی بیماری‌ها را تشخیص بدهید. تنها آثار باقی‌مانده از صدر الاطبا رساله‌ای در معالجه سفلیس و رساله‌ای در مفاتحه وبا و رساله‌ای در علاج طاعون است. (همان)

او در ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۸ش طی اعلانی جلوگیری از ذکام (آنفلوانزا) را برای مردم خراسان تشریح نموده است. در این اعلان آمده است: «خاطر محترم عموم اهالی را با کمال توقیر نظر بوظیفه مهم صحی مستحضر می‌دارد؛ در این ایام باقتضای تغییر فصل و اختلاف هوا مرض ذکام شیوع پیدا کرده است که به علت عدم مواظبت و حفظ الصحه گاهی همراه با عوارض سینه و ریوی و منجر به امراض سخت‌تر می‌شود. برای اینکه اهالی محترم بتوانند به قدر امکان به واسطه حفظ الصحه از امراض ممکنه جلوگیری نمایند کمیون حفظ الصحه ایالتی خراسان موارد ذیل را که دستوری است برای بقای صحت و جلوگیری از ابتلا به مرض ذکام (آنفلوانزا) (گلشنی و آذری خاکستر، ۱۴۰۰: ۳۶۹) به استحضار خاطر عموم می‌رسانند: ۱. مواظبت نمایند که از اطاق، یا کرسی و حمام گرم یک دفعه خود را به هوای سرد عرضه ندارند. ۲. به محض بروز علت سینه به طبیب رجوع نمایند. ۳. مرضی مبتلا به درد سینه را از اشخاص سالم جدا نموده در اطاق‌های گرم بخوابانند و اخلاط سینه را در ظروف مخصوصی که دارای آهک و خاکستر باشد بریزند. ۴. دستمال و سایر اشیاء آلوده باخلاط را جداگانه شسته بجوشانند. ۵. حتی الامکان از اجتماعات اجتناب نمایند. ۶. استعمال دخانیات از قبیل سیگار و چپق و قلیان را به هر اندازه ممکن است تخفیف بدهند. ۷. استعمال گنه، گنه به دستور طبیب نمایند مفید است. ۸. از خوردن انواع ترشی‌آلات مخصوصاً سرکه خودداری نمایند.» (ساکماق، ۱۴۵۲: ۱)



تصویر ۲: اعلان صدرالاطباء رئیس کمیسیون حفظ الصحه ایالتی خراسان جهت جلوگیری از ذکام (آنفلوانزا) (ساکماق، ۱۳۴۵: ۷)

دکتر شاهین فر در خاطرات پزشکی در مشهد ضمن اشاره به پزشکان قدیمی نوشته است: تعداد پزشکان قدیمی محدود بود، آن‌ها با تجربیات شخصی کار می‌کردند و کمتر به کتب قدیمی مراجعه می‌نمودند. سرآمد آن‌ها در آن موقع صدرالاطباء که کتب قدیمی را مطالعه می‌کرد با جوهریات مخالف بود و آن‌ها را زیان‌آور می‌دانست، فقط جوش شیرین را قبول داشت (شاهین فر، ۱۳۸۲: ۱۳) محتوای روزنامه‌های قدیمی نشان می‌دهد، علاوه بر اخبار مربوط به صدرالاطباء به اتفاقاتی که در این خانواده روی داده نیز اشاره کرده‌اند، از جمله روزنامه فکر آزاد در خبری به آقای ادیب السلطان فرزند صدرالاطباء که به حکومت بلوک شان‌دیز برقرار شده، پرداخته است. (فکر آزاد، ۱۳۴۰: ۴)

همچنین در بین اسناد موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی به تاریخ ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶ به درگذشت عیال جناب صدرالاطباء و دفن آن در دارالسیاده مبارکه اشاره شده است. (ساکماق، ۱۳۱۶: ۷) هرچند صدرالاطباء در مهرماه ۱۲۹۹ ش به خاطر کهولت سن و پاره‌ای از مشکلات تقاضای استعفا از ریاست کمیسیون صحی را داشت (تازه‌بهار، ۱۳۳۹: ۴)، اما در انتخابات هیئت رئیس کمیسیون حفظ الصحه ایالتی صدرالاطباء به عنوان رئیس کمیسیون انتخاب شد. (تازه‌بهار، ۱۳۳۹: ۴) کمیسیون حفظ الصحه ایالتی که چندی بود به واسطه

نرسیدن حقوق تعطیل شده و صدراطباء رئیس آن استعفاء داده بود، به قرار معلوم اخیراً تلگرافی از مجلس حفظ الصحه دولتی به آقای صدراطباء رسیده است که استعفای ایشان را رد و دستور تجدید تشکیل کمیسیون را داده بودند برحسب تأکید ایالت جلیله کمیسیون حفظ الصحه شب ۲۳ سنبله در دارالایاله تشکیل و... صدراطباء به عنوان رئیس انتخاب می شود. (فکر آزاد، ۱۳۴۱: ۲۳) همچنین در ۱۲ رمضان ۱۳۳۸ ق صدراطباء برای مداوای مشیر همایون که به حصبه مبتلا شده به درج اعزاز شد. (تازه بهار، ۱۲۹۹: ۱۹)

پرفسور فریدون شاملو ضمن اشاره به طریقه مداوا در قدیم پیرامون پدر بزرگش صدراطباء چنین بیان می کند: «پدرم تعریف می کرد. صدراطباء مریض هایش را در حیاط قدیمی مداوا می کرد. این خانه در ته کوچه آقازاده نزدیک حرم مطهر قرار داشت. بخشی از مطبخ مربوط به مردان و قسمتی مربوط به زنان بود. آشنایی به طبی که سه نبض حس می کردن داشت. ایشان روزمین می نشست زن ها از پشت پرده دست دراز می کردن، پدر بزرگم به حرف مریض گوش می کرد و نبض می گرفت و سپس نسخه می نوشت». (مصاحبه با فریدون شاملو، ۱۴۰۰/۹/۷)

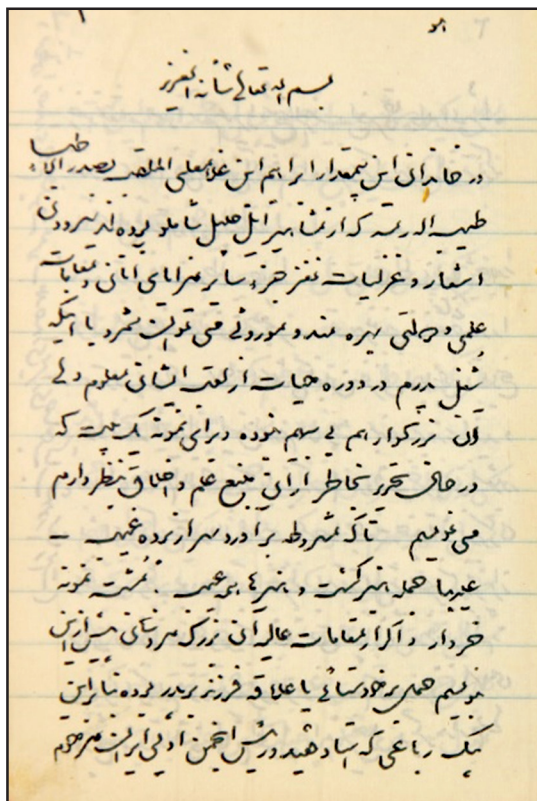
در ۱۳۲۹ ق، مبلغ ۴۸ تومان و پنج هزار دینار نقد و دو خروار و سی من جو به وزن تبریز موجب میرزا غلامعلی صدراطباء حکیم باشی آستان قدس در ماه محرم پرداخت شده است. (ساکماق، ۲۲۰۸۰: ۱) سرانجام صدراطباء در ۱۳۰۳ ش در مشهد فوت نمود. (روستایی، ۱۳۸۲: ۳۲۷/۲-۳۳۱) و در ظهر دارالسیاده به خاک سپرده شد. از او پنج پسر و یک دختر مانده که فقط یکی از پسرانش حرفه طبابت را ادامه داده است.

روزنامه مهرمنیر طی یادداشتی در تاریخ ۱۱ جمادی الاول ۱۳۴۲ ق با عنوان «از ضایعات بزرگ خراسان»، خبر درگذشت صدراطباء را اطلاع داده است: «آقای صدراطباء که یکی از معاریف طبای عصر و در علم و عمل طبی اعم از طب قدیم و جدید استاد بشمار می آمدند و صفحه خراسان به وجود چنین طبیبی برخورد می بالید. در نتیجه کهولت سن و ضعف مزاج سینه بالاخره شب سه شنبه از این عالم فانی به جنان جاویدان خرامیدند و نظر به حقی که بر عموم اهالی این سامان ثابت دارند عموم خراسانی ها را در ماتم خود سوگوار نمودند. ما به بازماندگان ایشان عموماً و آقای دبیراعظم و اخوانشان خصوصاً تعزیت می گوئیم و اجر جمیل شان را از خدا می خواهیم.» (مهرمنیر، ۱۳۰۲: ۳)

دبیراعظم

ابراهیم ابن غلامعلی الملقب به صدراطباء طیب المرتبه که از مشاهیر ایل جلیل شاملو بوده اند سرودن اشعار و غزلیات نغز جز سایر مزایای آنان و به مقامات علمی و دولتی بهره مند و موروثی می توان شمرد. (تصویر ۳) با اینکه شغل پدرم در دوره حیات از لقب ایشان معلوم ولی آن بزرگوار هم بی سهم نبوده و برای نمونه یک بیت که در جایی تحریر به خاطر از این منبع علم و اخلاق به نظر دارم می نویسم. تا که مشروط برآورد سر از پرده غیب عیب ما جمله هنر گشت و هنرها همه عیب. مشت نمونه خروار. و اگر از مقامات عالیه آن بزرگ ... پیش از این بنویسم حمل بر خودستایی یا علاقه فرزند بر پدر بوده ... (شاملو، ۱۳۴۲: ۱) محمد ابراهیم فرزند صدراطباء از ۱۳۲۵ ق به عنوان دربان کشیک خامس در حرم مطهر خدمت داشته است. (ساکماق، ۱۷۵۹۵/۲۷۳) محمدرضا

شفیعی کدکنی در مقاله مشهد و کتابفروشی‌های پنجاه سال پیش، از دبیر اعظم چنین یاد کرده است: یکی دیگر از شیفتگان نسخه‌های خطی که درین گونه مسائل نزد مرحوم ادیب می‌آمد مرحوم دبیر اعظم (برادر دکتر علی شاملو) بود که خود نسخه‌شناس بود و برای کتابخانه برادرش دکتر علی شاملو، نسخه‌های خطی می‌خرید. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۸: ۱۷۸)



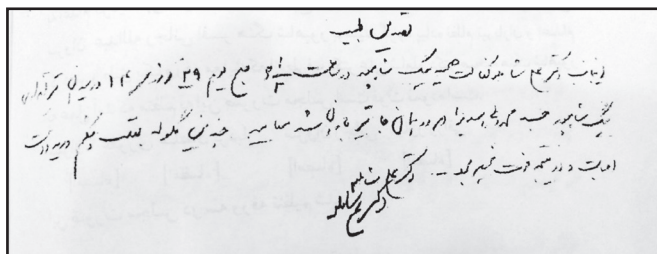
تصویر ۳: یادداشت‌های محمد ابراهیم دبیر اعظم (مأخذ: مجموعه شخصی پرفسور شاملو)

علی شاملو

علی شاملو، ۱۲۸۶ق در مشهد به دنیا آمد. دوره طب را در مریض‌خانه دولتی تهران گذراند و از ۱۳۰۸ق به عنوان طبیب ارتش به استخدام وزارت جنگ درآمد و به آبادان و مسجد سلیمان مأمور شد. دو سال بعد به سبزوار منتقل و سپس از ۱۳۱۲ق به مشهد آمد و در صحنیه هنگ شاپور لشکر ۹ شرق به خدمت مشغول شد (مصاحبه با فریدون شاملو، ۱۳۸۲/۰۸/۱۴)

فریدون شاملو در ارتباط با پدرش گفته است: «پدرم هر روز ساعت ۴ صبح از خواب بیدار می‌شد. بعد از نماز، خودش صبحانه‌ای آماده می‌کرد و سپس در کتابخانه منزل مشغول مطالعه می‌شد. بعد به عنوان خادم امام رضا (ع) به حرم مطهر مشرف می‌شد. صبح‌ها یک سرباز گماشته، اسبی را از پادگان درب خانه می‌آورد و پدرم سوار بر اسب به محل کارش در مریض‌خانه لشکر می‌رفت و تا ساعت یک ظهر در آنجا مشغول بود. در خیابان

تهران مطبی دایر نمود. (آذری خاکستر، ۱۳۹۵: ۲۲۶) عصر هم از ساعت ۳ تا ۸ شب در مطب خود به معالجه بیماران می پرداخت. او بعدها مطبش را از خیابان تهران به محله سعدآباد منتقل کرد. (رامین نژاد، ۱۳۹۰: ۶۳-۶۴) پس از واقعه قیام مسجد گوهرشاد، اسدی نایب التولیه به عنوان مقصر شناخته شد و به اعدام محکوم شد. دکتر شاملو به عنوان کفالت صحیّه هنگ شاپور، جسدش را معاینه و نتیجه فوت را بر اثر تیرباران تأیید نمود. (رائین، ۱۳۷۹: ۲۳۹) اینجانب دکتر علی شاملو کفالت صحیه هنگ شاپور در ساعت شش و نیم صبح یوم ۲۹/ آذر ۱۳۱۴ در میدان تیراندازی هنگ شاپور جسد محمدولی اسدی را که در همانجا تیرباران شد معاینه چندین گلوله به قلب و شکم و ریه و دست اصابت و در نتیجه فوت نموده بود. دکتر علی شاملو امضاء. (تصویر ۴) او ۱۳۷۶ ش در سن نود سالگی در مشهد درگذشت و در صحن جمهوری حرم مطهر دفن شد. (رامین نژاد، ۱۳۹۰: ۶۳)



تصویر ۴: معاینه جسد محمد ولیخان اسدی توسط دکتر علی شاملو (رائین، ۱۳۷۹: ۲۳۹)

پرفسور فریدون شاملو

فریدون شاملو در اول مرداد ۱۳۰۸ ش در خیابان آبشار تهران به دنیا آمد. پدرش آن زمان سال آخر طب بود. با پایان دوره آموزشی عازم سمنان و بعد سبزوار می شود و در ۱۳۱۰ ش شناسنامه فریدون را از سبزوار می گیرد. «من تحصیلات ابتدایی در مشهد تمام کردم در دبستان هدایت در حیطة جهودا یا محله عیدگاه و بعد از اون در دبیرستان شاهرضا. بعد هم عازم کالج البرز تهران شدم و تا سال ششم دبیرستان در کالج البرز بودم و از اون جا در سال ۱۳۲۶ عازم پاریس شدم از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۲ تقریباً من اون جا دوره طب خوندم متخصص جراحی عمومی و بعد مدتی جراحی استخوان کار کردم و چون آقایون در مشهد متخصص جراحی مجاری ادرار نداشتن بنا به درخواست مرحوم دکتر سامی راد که رئیس دانشگاه بود من ارتوپدی ول کردم سه سال رفتم در رشته تخصصی اورولوژی کار کردم. در دوران تحصیل در فرانسه شاگرد خیلی خوبی بودم من شاگرد اول دانشکده پزشکی پاریس شدم مدال نقره به من دادن... دوره انترنی در فرانسه بسیار مشکل هرسال قریب هزار نفر شرکت می کنند و صد نفر می گیرند من نفر ۱۳ بودم که در اولین بخش قبول شدم. بعد دوره جراحی دادم و متخصص جراحی شدم بعد به خواست خدا مستقیماً به مشهد برگشتم و در بیمارستان شاهرضا با دکتر بولون آشنا شدم. آقای بولون آن موقع رئیس بخش جراحی بیمارستان شاهرضا امام رضا (ع) بودند. مدتی به عنوان متخصص اورولوژی اون جا کار کردم تا وارد دانشکده پزشکی شدم. در دانشکده با سمت دانشیار جراحی اورولوژی شروع کردم. بعد استاد دانشگاه شدم. بعد بنا به درخواست آقایون چون اون موقع با همکاری یکی از دوستان به نام دکتر محلاتی بیمارستان

ساختیم در خیابان احمدآباد به اسم بیمارستان فرح که بیمارستان خوب و نمونه‌ای بود. در اون زمان من به سمت ریاست بیمارستان شهناز اون زمان موقع که هنوز افتتاح نشده بود گذاشتند.» (مصاحبه با فریدون شاملو، ۱۳۸۲/۰۸/۱۴)

دکتر شاملو از تاریخ اول مرداد ۱۳۴۰ش به مدت دو سال به سمت پزشک درمانگاه اورولوژی بیمارستان شاهرضا استخدام می‌شود. (ساکماق، ۷۵۷۸۸: ۵) راه‌اندازی بیمارستان خصوصی شاملو در خیابان جنت، تأسیس بیمارستان فرح، نخستین رئیس بیمارستان قائم (عج)، رئیس بخش اورولوژی بیمارستان ششم بهمین، رئیس کمیته انتصابات دانشکده علوم پزشکی و رئیس بخش انتشارات دانشگاه علوم پزشکی از جمله مسئولیت‌های پرفسور شاملو بوده است. (شهرآرانیوز، ۱۳۹۸: ۴-۵) دکتر ایرج شاملو از دیگر افرادی است که در این خاندان ادامه‌دهنده حرفه صدراالاطباء بود. او پسر دکتر علی شاملو و متخصص جراحی عمومی از دانشگاه فرانسه است. او به مدت ۳۰ سال مسئول بخش جراحی بیمارستان شریعتی تهران بوده است.

نتیجه

بررسی تبارشناسی خاندان شاملو در مشهد نشان می‌دهد، شغل طبابت در این خاندان تا سه نسل تداول داشته است و در مجموع سه نفر بعد از صدراالاطباء در رشته پزشکی فعالیت داشته‌اند. خود صدراالاطباء پیرامون حرفه پزشکی معتقد است زمانی که من حرفه پزشکی را اختیار کردم طب تالی روحانیت بود و مردمان شریف طبیب می‌شدند، اما امروز حرفه طب پرفایده شناخته شده و از همه طبقات پی تحصیل آن رفته و می‌روند و در نتیجه اشخاص مادی و غیرشریف هم دارای این حرفه گردیده‌اند و این شغل شریف مرهون شده است و یک پسر را هم که به تحصیل طب گماشته‌ام برای این است که فن آن از خانواده‌ام بیرون نرود. هرچند فریدون شاملو علت تحصیل در پزشکی را علایق شخصی و ادامه‌دهنده راه پدر بیان کرده است من با دیدی که داشتم در ۱۶ سالگی تصمیم گرفتم پزشک شوم. عازم پاریس شدم و در کالج پزشکی ثبت نام کردم. چون پدرم پزشک بود علاقه‌مند به پزشکی شدم و می‌خواستم مثل پدرم شوم. چون طبیب شدن در اروپا سخت است، بچه‌هایم به رشته‌های دیگر روی آوردند. پسر یک سال دانشکده پزشکی رفت متأسفانه در آزمون دوم قبول نشد و به معماری روی آورد. نتیجه مطالعات تبارشناسی در خاندان شاملو نشان می‌دهد، در این خاندان ۴ پزشک که متعلق به سه نسل بوده‌اند در زمینه پزشکی فعالیت داشته‌اند. مهم‌ترین دستاورد این پژوهش معرفی یکی از خاندان‌های قدیمی شهر مشهد و اثرات اجتماعی آنان در جامعه و تبیین مسائل هویتی در شرایط حاضر است.

منابع

۱. آذری خاکستر، غلامرضا. (۱۳۹۵). تاریخ پزشکی نوین مشهد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
۲. بامداد، مهدی. (۱۳۸۷). شرح رجال ایران در قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴. تهران: زوار.
۳. روستایی، محسن. (۱۳۸۲). تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه) به روایت استاد. ج ۲.

- تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۴. حسین زاده سورشجانی، سالم. (۱۳۹۵). تاریخ دارالشفای آستان قدس رضوی از دوره صفویه تا پایان دوره قاجاریه به روایت اسناد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
 ۵. سلیمانی، کریم. (۱۳۷۹). القاب رجال دوره قاجاریه. تهران: نشر نی.
 ۶. شاهین فر، محمد. (۱۳۸۲). خاطرات پزشکی در مشهد. مشهد: سنبله.
 ۷. شهرداد، محمد. (۱۳۳۷). «مرحوم صدرالطبا». جهان پزشکی. سال دوازدهم. (شماره ۳).
 ۸. رائین، اسماعیل و رائین، سیما. (۱۳۷۹). واقعه گوهرشاد به روایت دیگر (از مجموعه اسناد چاپ نشده روانشاد اسماعیل رائین). تهران: رائین.
 ۹. شاملو، علی. (۱۳۰۹). خاطرات خودنوشت دکتر شاملو. (منتشر نشده).
 ۱۰. شاملو، میرزا ابراهیم. (۱۳۴۲). خاطرات و غزلیات دبیراعظم. (مجموعه منتشر نشده دکتر شاملو).
 ۱۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۸). «مشهد و کتابفروشی های پنجاه سال پیش». بخارا. (شماره ۷۰)، ۱۶۷-۱۸۵.
 ۱۲. شوشتری، فاطمه. (۱۳۹۸/۵/۳۱). «روایت هایی از مؤسس بیمارستان قائم (عج) و امید که کوچه ای در فلکه آب به نام خاندان پزشکشان بود». شهرآرا محله ثامن.
 ۱۳. رامین نژاد، رامین. (۱۳۹۰). یکصد سال طب نظامی در خراسان. مشهد: آهنگ قلم.
 ۱۴. شهیدی، حمیده. (۱۳۸۸). «بررسی جایگاه خاندان اعتضاد رضوی در تشکیلات آستان قدس رضوی». شمس. (شماره ۴)، ۱-۱۹.
 ۱۵. گلشنی، سید علیرضا؛ آذری خاکستر، غلامرضا. (۱۴۰۰). «آفلوآنزای اسپانیایی در مشهد، از سال ۱۲۹۷ تا ۱۲۹۹ هجری شمسی». اخلاق و تاریخ پزشکی. (شماره ۱۴)، ۳۶۳-۳۷۲.
 ۱۶. مدرس رضوی، محمدتقی و همکاران. (۱۳۸۶). مشهد در آغاز قرن چهارده خورشیدی مشهور به گزارش مکتب شاهپور. تصحیح مهدی سیدی. مشهد: آهنگ قلم.
 ۱۷. میرنیا، علی. (۱۳۶۹). پژوهشی در شناخت ایل ها و طایفه های عشایری خراسان و نقش سیاسی روسای ایل های بزرگ در امور کشور و روابط آن ها با حکومت ها و استعمارگران. تهران: نسل دانش.

مصاحبه

۱. فریدون شاملو، ۱۴۰۰/۹/۷، غلامرضا آذری خاکستر، پزشک، ۹۲ ساله، منزل مصاحبه شونده، سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
۲. فریدون شاملو، ۱۳۸۲/۰۸/، غلامرضا آذری خاکستر، پزشک، ۹۲ ساله، منزل مصاحبه شونده، سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

اسناد

۱. ساکماق (سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی)
۷۴۵۲۰/۲۲۰۸۰، ۷۵۷۸۸/۵، ۱۷۵۹۵/۲۷۳

نشریات

۱. بهار. (۱۳۳۷ق). شماره ۶۶.
۲. تازه بهار. (۱۳۳۹ق). شماره ۵۱.
۳. فکر آزاد. (۱۳۴۰ق). شماره ۴.
۴. مهر منیر. (۱۳۴۲ق). شماره ۲۹.
۵. تازه بهار. (۱۳۳۹ق). شماره ۵۰.